

تشدید جنگ داخلی در لبنان

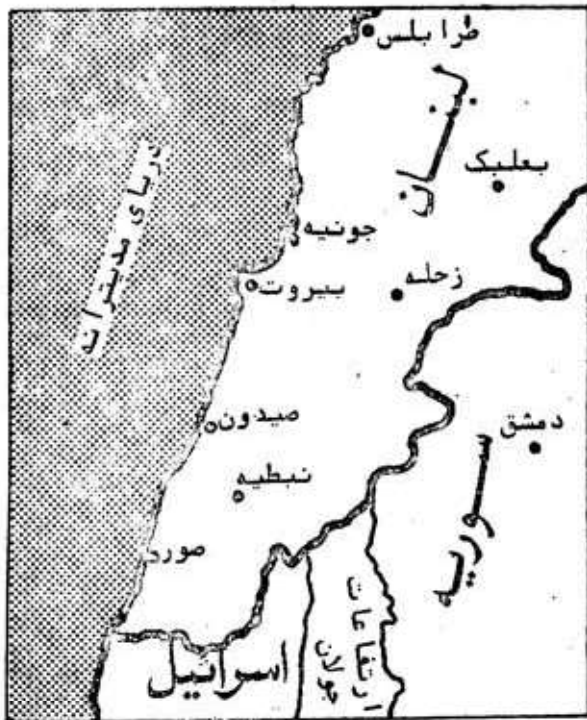
حل مسئله لبنان، درگرو حل مسئله فلسطین است

آتش جنگ داخلی لبنان را فرا گرفته است. لبنان کا - نون تبادهای منطقه، زرادخانه‌ای که تمامی نیروهای عربی منطقه و نیروهای بین المللی، آنرا میدان ماف‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قرار داده‌اند، بار دیگر شاهد زور آزمای‌های این نیروها با یکدیگر شده است. تمامی مسائل داخلی منطقه‌ای و بین المللی که به جنگهای داخلی سالهای ۷۴-۷۶ منجر گردید، هنوز بقوت خود باقی بوده و چشم انداز روشنی برای حل آن دیده نمی‌شود. علاوه بر آن تحولات اخیر منطقه‌ای خاور میانه، ایما دجیدی راه مشکل داخل لبنان میافزاید. تا بودی رژیم سلطنتی در ایران، جنگ ایران و عراق، منازعات اردن و سوریه، کنار گیری رسمی عراق از جبهه، بایاداری و نزدیکی آن به عربستان سعودی از جمله مسائل هستند که در چگونگی تغییر شرایط در لبنان نقش موثری را ایفا می‌نمایند.

جنگ اخیر در لبنان بسیاری از احاد این تغییر شرایط را در بر دارد. صف بندیهای نیروها در اثر این تحولات و تحوالات دیگری که در صحنه سیاست بین المللی مانند انتخاب ریگان و نزدیکی انتخابات در اسرائیل (در تاریخ ۳۰ ژوئن) در شرف تکوین است، به تبادهای داخل لبنان و ویژگی خاصی می بخشد.



هنگامیکه سوریه در سال ۱۹۷۵، نیروهای خود را وارد لبنان کرد، هنگام با فالانژیستها به کوبیدن نیروهای مترقی لبنان و فلسطینی اقدام نمود. ورود سوریه به لبنان مصداق دفا با آزادی ۸۶ درصد از خاک لبنان و محاصره نیروهای فالانژیست در بندر جونیه و شرق لبنان بود. سوریه بدلائل متعددی - که مهمترین آن خارج شدن سازمان آزادی بخش فلسطین از حیطه نفوذ رسمی جامعه عرب بود - وهم چنین برای نشان دادن "حسن نیت" خویش در انجام عملیه سیاسی - صلح جداگانه با اسرائیل - با این مانور نظامی دست زد. ژنرال خولی، فرمانده سازمان امنیت ارتش سوریه، در کناره باندموم، صدر - چمران قرار گرفت و به پشتیبانی بیدریغ از نیروهای فالانژیست پرداخت. قتل عامهای متعدد منجمله کشتار فلسطینیها در تل زعتر نتیجهی هجوم مسلحانه‌ای بود که در حین سکوت رسمی و غیر رسمی اسرائیل انجام گرفت. تا خاتمه یافتن ما موریتکیسینجر در منطقه آغاز مذاکرات کمپ دیوید - که هدفش صلح جداگانه با مصر و نتیجتا خارج کردن معرزه‌های جنگ اعراب و اسرائیل بود، سیاست نیروههای نظامی سوریه در لبنان تغییر نیافت. اما تمامی مخارج ارتش ۳۰ هزار نفری سوریه در لبنان و مهمترین آن ترمیم وضع اقتصادی داخل این کشور که هنوز از نتایج اقتصادی جنگ ۷۳ در تنگنا بسر میبرد، نزدیکی سوریه با عربستان سعودی را تا اندازهی بسیار زد. حمایت مالی عربستان سعودی از فالانژیها و لزوم حمایت مالی از سوریه که در حقیقت تضمینی برای جلوگیری از رشد ادبکا لیم جنبش فلسطین و همچنین مانع از نفوذ بیشتر شوروی در جهان عرب بود، شرایط را بوجود می آورد که سوریه را در موقعیتی متضاد قرار میدهد. سوریه از یکسو



از نظر مالی وابسته به عربستان سعودی بود، و از طرف دیگر متحد سابق و دشمن فعلی اش - فالانژیستها - نیز از همان منبع مالی تغذیه میکنند. حتی دولت الیاس سرکش که از نظر بسیاری حاصل توافق ضمنی این نیروها بود، نتوانست از رشد این تفا دجلو گیری کند.

ورود سوریه به لبنان و استیلا آن بر مناطق شمالی مانند طرابلس و بخش بعلبک، به یکی از آرزوهای دیرینه ناسیونالیسم سوریه تحقق بخشید: ایجا دسوریه بسزرگ. تحقق این ایده ناسیونالیستی، نه صرفا الحاق قسمتی از خاک یک کشور دیگر بلکه مهمترین مسئله است. سوریه شاهره حیاتی تجارت جهان عرب بود. جنگ داخلی در لبنان و تصرف بندر جونیه توسط فالانژیها، بندر طرابلس توسط سوریه و بنا در صورت رسیدن توسط نیروهای جنبش لبنان و فلسطین، وعدم امکان استفاده از این شاهره حیاتی تجارت خارجی جهان عرب، باعث گردید که عملیات سوریه را که بر بندر طرابلس تسلط داشت، در سهم مبادلات خارجی جهان عرب و بهره گیری از ترانزیت سوریه، اروپا - سوریه، اردن - سوریه، عراق افزایش یابد و این سهم کوچکی نبود که حافظ اسد بتواند از آن چشم پوشی نماید. استفاده از این منبع درآمد، و نزدیکی بیش از پیش سوریه به لیبی کشور شور - تمند دیگر جهان عرب زمینه‌های جدایی مالی این کشور از عربستان سعودی را فراهم تر نمود. جدایی که نتیجهی بلاواسطه سیاسی آن نزدیکی بیشتر سوریه به جنبش مقاومت و دوری آن از فالانژیها بود. این امر منبوه خود در نزدیکی بیشتر فالانژیها به اسرائیل که پشتیبان نظامی خویش سوریه را از دست داده بودند منعکس میگردد. انعکاس این تغییر جهت ابتدا بعلت هم مرز بودن لبنان و اسرائیل، در مرزهای شمالی اسرائیل شکل ایجا دیاندروروستی سرهنگ حاد، متبلور میگردد، و سپس در ادامه خود به همکاری کامل فالانژیستها با اسرائیل می انجامد. اما علاوه بر این مسائل، فعل و انفعالات اخیر در سمت با بی جدید سیاست سوریه در منطقه موثر بوده است. قضا اردن که بدنبال معاهده کمپ دیوید، خواهان یک صلح مستقل با دولت اسرائیل است با امکان برکناری بکین از قدرت و احتمال قدرت با بی شیمون پروز که با ملک حسین سابق دوستی طولانی دارد و از هم اکنون اشاراتی در مورد انعقاد

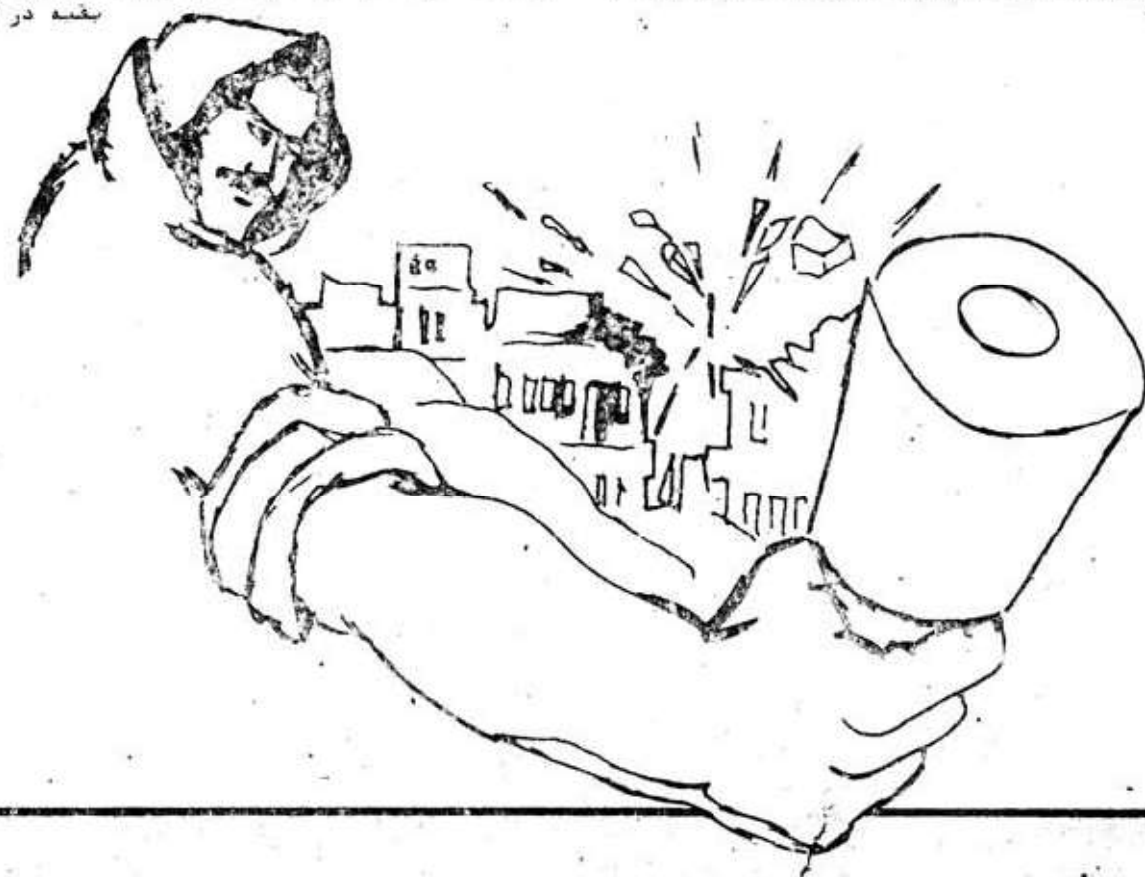
قرارداد صلح در مناطق اشغالی ۱۹۶۸ می‌نماید. همچنین سیاست "مقابلیه با تروریسم" ریگان که به عنوان مرجع عرب امکان قدرت یابی بیشتری را میدهد، باعث میگردد که ملک حسین از موضع مخالفت با دولت سوریه، این کشور را تحت فشار بگذارد. این عامل، علاوه بر جنگ ایران و عراق که باعث تضعیف موقعیت عراق در بین کشورهای رادیکال عرب گردیده است، نزدیکی سوریه به شوروی و به لیبی را سهل تر نموده است. مجموعه این عوامل، انعکاس خود را در لبنان می‌یابد. و دولت سوریه که به تنگنا حاکم داخلی در سال ۱۹۷۵ با موضع گیری علیه فلسطینیها وارد لبنان می‌شود. در این مقطع به پشتیبانی از جنبش ملی لبنان و جنبش فلسطین علیه فالانژها و اسرائیل وارد عمل میگردد.

گاهی به حوادث اخیر در لبنان نشان میدهد که دو طرف اصلی جنگ - اسرائیل و سوریه - بیش از آنکه هدف آغاز جنگ دیگری را داشته باشند، در پی مستحکم نمودن مواضع فعلی خود در لبنان و ایجاد زمینه‌ی مناسب برای محاملات سیاسی آینده هستند. شدت درگیری مستقیم هر دو علیه یکدیگر به بهترین وجهی گویای آنست که این جنگ نه زمینه ساز جنگ چهارم عرب و اسرائیل، بلکه بیشتر برای قدرت است. در این بازی قدرت، خطوط از قبل مشخص است. فلسطینیها در جنوب می‌جنگند و از کمک مستقیم سوریه برخوردار نیستند و در زحله و دفاع، ارتش سوریه است که با فالانژها می‌جنگد و جز در موارد لزوم - هنگامیکه قرارداد های نوشته‌ای بندوبست برجا است - به کمک مستقیم فالانژها نمی‌آید. یک جنگ تمام عیار نه بی‌نفع نیروهای سوریه است - و این را دولت سوریه بخوبی میدانند، و نه از جانب دیگر در آستانه‌ی انتخابات اسرائیل کمکی به منافع بگین محسوب میگردد. در چنین زمینه‌ای است که درگیریها مجدداً "اوج میگيرند و علاوه بر زمینه های با دنده هدف خاص خود را دنبال می‌نمایند

این درگیریها که حدود ۱/۵ ماه است آغاز شده بعد از جنگهای ۶۶-۱۹۷۵ خونین ترین زد و خورد در این کشور بوده و در سطح بین المللی ابعاد گسترده‌ای یافته است. مسئله اولیه درگیریها در "زحله" (۵۰ کیلومتری شرق بیروت) است زحله که منطقه استراتژیک مهمی است عمدتاً مسیحی نشین است و جمعیت آن ۲۰۰/۰۰۰ نفر است. این شهر که در دامنه‌ی شرقی سلسله جبال لبنان قرار دارد در نزدیک شاهراه بیروت - دمشق واقع شده و مهمترین شهر دره دفاع، اصلی ترین منبع محصولات کشاورزی لبنان بشمار می‌آید. برای فالانژیستها

حفظ زحله بمعنای گسترش ناحیه شمال بیروت (که تحت نفوذ راستگرایان است) بخرف شرق در طول سلسله جبال لبنان و در داخل دره‌ی دفاع می‌باشد. برای سوریه، از این لحاظ که زحله بر شاهراه دمشق - بیروت تسلط دارد و نه تنها نیروهای سوری را به پایگاه هیاتشان در لبنان بیرون میدهد، بلکه منبع درآمد فراوانی است، اهمیت حیاتی دارد. و ساز در این زمینه است که سوریه اقدامات فالانژیستها برای کشیدن بزرگراهی کوهستانی از جونیبه (بندرگاه و پایگاه مهم تحت نفوذ راستگرایان که آنها را با دنیای خارج مرتبط میکند و ضمناً محل ورود تجهیزات نظامی از اسرائیل است) به زحله نگران است. زیرا در صورت ایجاد این راه، فالانژیستها و اسرائیل مستقماً با دره‌ی دفاع مرتبط میشوند. نگرانی سوریه هنگامی بیشتر میشود که قصد واقعی فالانژیستها مبتنی بر پیوستن نواحی با نیروهای سعد حداد در جنوب لبنان در نزدیکی مرز اسرائیل را مشاهده کنند. در چنین صورتی، اگر حمله‌ی بوقوع بپیوندد، اسرائیل میتواند کمک راستگرایان بسرعت دره‌ی دفاع را ببیماید و به نیروهای سوریه در ارتفاعات جولان حمله کند. در پی این مسئله، سوریه، زحله را محاصره کرد و در صدد برآمدن فالانژیستها و از این شهر بیرون کشیدن، بقصد حوادث بسرعت پیش آمد. نیردا زحله به بیروت و نبطیه (در جنوب) کشیده شد و سوریه حلقه‌ی محاصره‌ی زحله را تنگتر کرد. اسرائیل نیز برای حمایت از راستگرایان، مواضع فلسطینیها و چپگرایان را در جنوب لبنان مورد حمله قرار داد. آتش بس دهها بار شکسته شد. و کوششها برای توقف جنگ بجای نیامد. تلافی حملات سوریه، راستگرایان با عوب به شهر صیدا حمله کردند و صدها نفر را کشته و زخمی کردند و اسرائیل نیز دست به حملات گسترده هوایی و شلیک توپخانه به جنوب زد. در بیروت نیز جنگ اوج گرفت و هر دو طرف تلفات زیادی دتری را متحمل شدند. در پی حملات سوریه برای تصرف ارتفاعات استراتژیک "صنین" (نزدیک زحله) اسرائیل دو هلی کوپتر سوریه را در رنگون کرد و به حملات هوایی خود به پایگاه های فلسطین در جنوب و مرکز و شرق لبنان افزود. فلسطینیها نیز در این مدت بارها مناطق شمالی اسرائیل و بخصوص شهرک جلبله را با موشکهای ۱۲۲ میلی متری کاوشنا مورد حمله قرار دادند. اسرائیل با زهم به تلافی این حملات، بندر صور و اردوگاهها را ششبار بمباران کرد. بدنبال سقوط دو هلی کوپتر سوری و حملات گسترده هوایی اسرائیل، سوریه تعدادی از موشکهای

بقیه در صفحه ۱۲



در آستانه ورشکستگی

روزنامه‌ی لوموند از سال ۱۹۷۵ به این طرف، در پایان هر سال، کتابی تحت عنوان "بیلان اقتصادی و اجتماعی" برای همان سال انتشار میدهد که بخشی از آن به بررسی وضع اقتصادی و اجتماعی تک کشورهای جهان در پنج تاره، اختصاص می‌یابد. ارزیابی کوتاه زیر را که در بیلان اقتصادی و اجتماعی ۱۹۸۰، تحت عنوان "در آستانه ورشکستگی" در آن کتاب (صفحه ۱۰۱) دربارهی ایران آمده است، ترجمه می‌نمایم:



جنگ مشکلات عظیم اقتصادی جمهوری اسلامی را فقط تشدید کرده است. قبل از جنگ با عراق، منابع - شديداً وابسته به لوازم خارجی - بین سی تا چهل درصد از ظرفیت خودکار می‌گرفتند. گرچه میزان عالی بارندگی، برداشت خوب محصولات کشاورزی را تولید میداد ولی واردات مواد غذایی هیچگاه به چنین سطح بالایی نرسیده بود. جمهوری اسلامی در سال ۱۹۸۰، بیش از سیصد هزار تن گوشت است از کشورهای استرالیا، رلانیدو و ترکیه وارد کرد و برای آن، مبلغ ۶۴۰ میلیون دلار پرداخت. از جمله ارقام واردات کشور ظرف همین سال بشرح زیر است:

- یک میلیون و شصدهزار تن گندم
- ششصد و پنجاه هزار تن شکر
- بیش از یکصد هزار تن برنج

کمپایی نسبی مایحتاج عمومی ناشی از تورم اسارگیخته است. هزینه‌ی زندگی، بر اساس آمارهای (کم‌برآوردی) بانک مرکزی، در فاصله‌ی بین ژوئیه‌ی ۱۹۷۹ و ژوئیه‌ی ۱۹۸۰، بیش از چهل درصد بالا رفته و افزایش قیمت محصولات غذایی در همین مدت، ۶۶ درصد بوده است. بدینگونه، حقوق بگیران از سقوط شاه به این طرف ۸۰ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند. کشور بودجه‌ی بسیار شدید، منبع تغذیه‌ی تورم است. اساسی‌ترین بیثباتی‌ها، درآمد دولت (در سال ۱۹۸۰) مبنیاً - بست به ۲۱ میلیارد دلار بود در حالیکه هزینه‌های آن ۲۸ میلیارد دلار بوده است. با اینهمه، به‌علت مشکلات و توقف نسبی تولید نفت، میزان درآمدها از ۱۵ میلیارد دلار تجاوز نخواهد کرد. از همینجا میتوان به دلیل ناشکیبایی و تحمل رهبران در آزاد کردن دارایی‌های ایران در خارج (که بخش عمده‌ی آن در اختیار بانکهای امریکایی بود)، پی بود، جلوگیری از ورشکستگی واقعی دولت، حتی اگر اداهای ایمن رهبران را قبول کنیم که یک گرم طلا تاکنون نفروخته‌اند و امروز سی ۷ تا ۸ میلیارد دلار ذخیره دارند. جنگ با عراق، فقط به نیکبختی شدید و به گرایشهای تورمی، سرعت بیشتری بخشیده است (کارهای مجتمع پتروشیمی بندر خمینی یکبار دیگر متوقف شده‌اند). این جنگ، مطابق، سبب شده است که باره‌ای از مایحتاج ضروری مردم نظیر قند و شکر، مواد سوختنی و غیره، جیره‌بندی شود.

این سود البته همانطوریکه سخاسی در سخنان خود تصریح میکند فقط سود یک بخش از بورژوازی یعنی سرمایه‌داران بازار است. حساب کنید خمس و دکهه ۱۲۰ میلیارد تومان جقدر میشود! و این یکی از "خبرات" جنگ جنایتکارانه‌ی دولت‌های ارتجاعی ایران و عراق علیه زحمتکشان و منبع سرمایه‌داران دو کشور است.

۳- بر اساس برآورد بخشی از حاکمیت (بنی صدر، سلامیان و غیره) و محافل نزدیک به این بخش، از جمله گزارش مجرمانه‌ی کارشناسان سازمان برنامه، بودجه‌ی سال ۶۰ بین ۸۰ تا ۱۲۰ میلیارد تومان کسری دارد. و این کسر بودجه (چه ۸۵ و چه ۱۲۰ میلیارد تومان) نیز بزرگترین کسر بودجه در تاریخ ایران است (بودجه‌ی سال ۵۹ نیز حداقل ۸۲۲ میلیارد ریال کسری داشت. نگاه کنید به آخرین شماره‌ی مجله‌ی "پیروزی" قبل از توقیف، شماره‌ی ششم، مقاله‌ی "بزرگترین کسر بودجه‌ی تاریخ ایران از تحریف مجلس گذشت").

نتیجه‌گیری: دو امر بسیار مهم در تاریخ ایران: ۱۲۰ میلیارد (۱۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰) تومان فقط سود یک بخش از بورژوازی یعنی سرمایه‌داران بازار، در سال ۵۹ و ۱۲۰ میلیارد تومان کسر بودجه‌ی دولت مکتبی در سال ۶۰. بدیگر سخن، کسر بودجه‌ی سال ۶۰ پیدایش در سال ۵۹، به حسب سرمایه‌داران بازار برآزیر شده است. چه جای شکفتی است! مگر محمدعلی رجایی، نخست‌وزیر مکتب سرمایه‌داران، در چرخ بازاربان همدان نگفته بود: "بازاریان ستون اصلی انقلاب بودند؟" در اینحال طبیعی است که "ستونهای اصلی انقلاب اگر یک‌تومان برای استقرار "عدل" اسلامی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، هزار تومان سود ببرند. البته بشرطی که سهم امام و خمس و دکهه را سواغوش نکنند.

تالیله جمهوری اسلامی

یک دانشجوی رشته‌ی ادبیات در مقابل وزارت علوم مقر ستاد انقلاب فرهنگی دست به اعتراض غذا میزنند. علت عدم پذیرش نظریه‌ی وی بعنوان یک نظریه‌ی علمی از جانب وزارت علوم است. این دانشجوی معتقد است که بر خلاف نظر همگان، این خورشید است که کرد زمین در حال دوران است و نه بالعکس... اینکه این شخص علمبرگم استفاده از تلسکوپ و وسایل نجوم (بگفته‌ی خودش) چگونه به این نظریه رسیده است بر هیچکس معلوم نیست. تنها حدسی که میتوان زد این است که وی خواب‌نماشده و با وحی بر او نازل شده است. بهر حال بروز چنین "نظریه‌ی" در این روزگار و در این دیار نباید عجب تلقی شود. در واقع در شرایطی که حاکمان جدید چهار نعل بسوی صدر اسلام در قعر تاریخ در حال تازند، در زمانه‌ای که سک، طوفان شن و... مأمور انجام امورد، در بلندی که تک سوار شمشیر بدستی زرادخانه‌ی امپریالیستی "سپاه کفر" را بکتنه تار و مار میکند، باید هم خورشید کرد زمین بگردد. وقتی بنی بشر "سرکجه" می‌گیرد، خورشید که جای خود دارد.

تقریرات

مقالات بی‌امناء نشریه‌ی رهائی منعکس کننده‌ی نظر عمومی ما زمان وحدت کمونیستی است. سایر مقالات که با امفاء منتشر میشوند تا آنکه از جنبه‌ی کلی منطبق با نظرات سازمان هستند، معینا میتوانند در باره‌ی از جزئیات مطابق نظر همهی اعضا آن نباشد.

تقارن عجیب

۱- مهندس عزت‌الله سخاسی، در جلسه‌ی علمی مجلس شورای اسلامی، در ۱۷ فروردین ۶۰، گفت: بخش تجارت در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. این سود تاکنون در تاریخ ایران بی سابقه برده است.

جنگ ارتجاعی ایران و عراق، بهانه‌ی تازه‌ایست برای استثمار هر چه بیشتر زحمتکشان